

سیده " حسین "

25-01-2012

جوانان و زنان در زمان و مکان غلط قرار داشتند و دارند؟

سپاس به جوان آگاه به وقت آقای آذرخش .

به آقای ظاهر دیوانچگی با طرح سوال فرایند صلح با طالبان و چگونگی تاثیرات آن روی روحیه باشندگان افغانستان .

همچنان به آقای دکتر سید موسی صمیمی با ترجمه ی در خور دقت و افشاگرانه - پاکستان ، ایالت محته امریکا و بازی نهائی در افغانستان . نقش کارگردانان - گزارشگران و آگاهان شرکت کننده در پروژه .

جای بسا تاسف است که تحلیل های بعدی در این موضوع صورت نگرفت ولی در رابطه با طرح سوال ، کار دانان و آگاهان به پاسخ پرداختند .

امیدوارم به من خرده نگیرند و جوابم را که زن هم آدم شد، نپردازند بلکه مضمون ترجمه شده را یکبار نه بلکه فرق نمیکند چند بار بخوانند و در فکر شوند تا خود نقش کارگردان ، گزارشگر و آگاهان را بازی کنند .

سپاس به جوان آگاه به وقت آقای آذرخش .

به فکر عده ی زیادی بعد از خواندن این نوشته با غرور مردانه که چندان مضمون قابل استفاده نبود . سوالاتی مطرح شده را و جواب همان گفتنی های سال های گذشته اما در لفافه و پوشش نو غربی امیدوارم ، تحویل ام ندهند

بنام خدا

می نویسند در مسیر گذر زمان تاریخ تکرار میگردد . حیات و سقوط تمدن ها هم مانند حیات و مرگ انسان ها در جریان هست ، تنها شکل حیات و مرگ در تغییر هست . محتوای پیدایش و حرکت در انتها به سوی نابودی و مرگ هست .

در طول تاریخ ، حیات انسان بستگی به زمان و مکان داشته است - با دقت و تیز بینی در بستر حیات و مرگ تاریخ از دو دسته انسان اختیار و انتخاب شان به آنها بستگی نداشته است . آنان :

جوانان و زنان اند .

بلی - جامعه ی فکر بسته ی افغانستان در حرکت پیشرونده ی کوتاه مدت و عقب برگشته ی ممتد و طولانی با نیروی اقتصاد جامعه ی بازار آزاد و سیاست بیرون کشوری در همه زمان ها برای این دو دسته چه در آستین داشتند ؟

تجربه ی کشوری که در لابلای اوراق تاریخ جز زور بیان دیگری ندارد با تجربه ی سال ها مستعمره داری غرب در گذشته و مدرن در حال که به همه نقاط بحر اعظم به هر نوع اندوخته های دارند ، چگونه نتیجه گیری شود .

خوب حالا فکر کنید - شرکت کننده گان در پروژه ی افغانستان با متحدینش که نقش پدر بزرگ مسن با وقار دلسوزانه را که در حقیقت برای حفظ حیات لرزان خود در بازی دارد ، با همکاری خانواده (دولت دست نشانده) پدر کارگر (اجیر) با مامورین زود بالارتیه رفته و پائین رتبه ، مادر زن خانه (کارگر درونی مفت و فرودست) و شاید هم ماموره ی پائین رتبه (زنانی که به آنان آزادی تحفه داده شده) با تصادف حرکت سریع ناسنجیده از دید گاه افراد خود فریب - و مخرب از دیده گاه انسان های واقعییت بین اما تماشایی با کودتاهای پی هم سبب اختناق در داخل و تهاجم بیگانگان باعث رویکار آوردن حلقه های ضد اختناق و دفاع (به باور آن روزی) درکه حقیقت ناآگاه و استفاده جو بود ند و حد اقل در دوران کار و زار نتوانستند اصلاح طلب شوند . بگذریم به گفته ی آقای صلوات گفت . نخیر آن چنان که ساده فکران میپندارند - ساده هم نیست .

انقلاب - جنبش - جهاد فی سبیل الله و برای جوانان و زنان چه ارمان داشت و هنوز هم دارد ؟

جوانان چه آموختند ؟

زنان ، ما چه آموختیم ؟

اسمش را چه بگذارند یا بهتر چه بگذاریم ؟

نقش های از قبل کشیده شده با برنامه های دراز مدت ، میان مدت یا کوتاه مدت ؟

شاید تصادف ؟

به باور تاریخ بی خبران - جوانان و زنان یعنی چه ؟. زنان چه کاره هستند - جوانان که باید ادب شوند .

به باور تاریخ با خبران - جبر زمان و تغیر حرکت تاریخ در جهت تکامل جوانان و زنان را باید مساعد کرد . ???

واه چه خوب زیبا میتوان نوشت .

من از انسان و زن پاسخگوئی های مردان را با دقت خواندم و آن چه جستجو میکردم در پایان (دوری و دوستی) را یافتم .

افسوس که مردان چه ها آموختند .

فقط صفحه ها را سیاه کنند و باز هم مانند زنی که از درد به دنیا آوردن فرزند نیاموخت که تولد فرزند مرگ خودش را بیان دارد تاریخ تکرار می‌گردد . هر زنی این تکرار را که خود علت هست ، تجربه میکند و اما ...

از زن چه بگویم: بهتر است اسمش را " ایده " بگذارم . حرکت سریع بی هدف و نآآماده .

از زن از کدام گله ، گله مند شوم . از همخانه یا همسایه .

همسایه ی ایران که در بطن اش احزاب و طر فدارانی پروراند که با توده ی بیطرف ، ضعیف و رنجور بیگانه بودند و هستند و جز میکند خون و سوار بر گرده ی ، این بیطرف ها در لباس دین (دین راه است برای یافتن روشنائی و رسیدن به آزادی)

اندیشه ای ندارند - فقط می اندیشند که به قدرت بمانند و سرمایه به اندوزند .

همسایه ی پاکستان به یاری دایهء مهربانش آمریکا با عملیات و کاشتن موفقانه " اسپر ماتوزوئید " در بطن ، حزب ها ، سازمان ها ، فنومن فوندامنتالیست اسلامی ساخت عربستان و به فرزند ی گرفتن بقایای حزب های کمونیست را بر گرده ی توده ی بیطرف هم در لباس دینداران (ضد دین) پروراند و به جان زن و جوان افغانستان انداختند .

نسل در حال پیر شدن که آه و حسرت گذشته ای درخشان در داخل و خارج سر به زانو نهاد اند و تسلیم به رضا

نسل حال در تضاد فکری چه را قبول کند و چه ها را رد .

نسل حال در تضاد با محیط درونی و بیرونی .

نسل حال در تضاد ادامه ی زندگی مفت خوری و هم کاسه شدن با قوه خارجی یا داخلی یا قربانی کردن یا قربانی دادن و قربانی شدن از سوی قوه ی داخلی یا خارجی

نسل حال در تضاد سویه - بی شناخت از محیط قومی و زبانی همراه شدن یا

با شناخت از محیط قومی و زبانی ممکن است یا ممکن نیست ؟

زن و جوان در دو راهی نه بلکه چهار راهی بی حرکت ایستاده مانده .

نسل جوان خود مسولیت دارد که خود را پیدا کند .

چرا و تا به کی زن و جوان نقش دو قربانی تاریخ افغانستان را بازی کنند تا راه برای بیگانه باز شود.

جای تعجب نباید باشد و این خصلت نو و تازه نیست که در رابطه با افغانستان و افغان ها غرب و آمریکا هم به نعل میزند و هم به میخ - طالبان - وسیله ای شده برای ترساندن زن و جوان افغان .

غرب و آمریکا بخواهند دشمنی کنند یا دوستی . خود این فنومن را پدر و مادر اند . به گفته مردان سیاستمدار - انتظار باید کشید ، سیاست برادر نمی شناسد .

ببخشید !

منظورم از سیاه کردن صفحه ی سفید چه است ؟

منظور این است که مردان تعیین کننده اند . پس مردان نگذارید تاریخ تکرار گردد ، به تاریخ نویسی گذشته پنهان نشوید بلکه تاریخ امروز و فردا را بنویسید . از گله ها و درد دل ها بگذرید . طرح ها کشیدید و پلان ها غلط پیاده کردید . حالا بگذارید که جوانان آستین بالا زنند و جوانان که توصیه به بهار عرب میشوند . نه ، نباید!

جوانان (بهار عرب) تجربه ناکام و درسی برای غیر عرب است . تکرار را در جامعه ی عرب شاهد ایم که جز ریفرم ساختگی ، خون ریزی متاسفانه تغییراتی عمده نی پیاده نشد . نقشه ی غرب چه جانانه چسپ گرفت .

زنان که خوداز جمله ی شما ها ایم ، نگذاریم تاریخ تکرار گردد . هر حکومتی شاهی و جمهوری اسلامی و غیر اسلامی ما را پیش اندازد ، چادر به سرما کنند یا چادر از سر ما بردارند .

به ما تهمت بی حجابی به بندند یا توطئه ی حجاب بزینند . به نام دین گروگان ما گیرند یا به نام دین به کشتن وادارما کنند .

نگذاریم مصالحه قرار مدهند .

از جمله صد ها وظایف که داریم یکی هم روشنگری و افشاگری را پیشه سازیم . از ضعف های خود نترسیم که قوت های ما در آن نهفته است . از دولت و مردان (دولتمردان) برای ما زنان جز همدردی که منظور استفاد است نباید توقع همکاری داشت مردان به قدر کافی دست همکاری به هم داده اند و نتایج آن دست دادن ها در تاریخ ثبت است . زن باید قول زنانه بدهد که در پشت آن استواری و صداقت عمل همیشه نهفته است .